

هوالله

ای دختر عزیز من مکاتیب متعدده شما رسید مختصر بود و مفید از مضامینش معانی دلنشین استنباط گشت و دلیل بر ثبوت و رسوخ در محبت نور مبین بود شکر کن خدا را که در چنین عہدی بچنین فضلی موفق گشتی امیدوارم کہ در خدمت امر اللہ و نشر انوار ملکوت اللہ بکوشی و بمحبت اللہ و تعلق بملکوت اللہ تاجی بر سر نہی کہ گوهر شب‌افروزش اعصار و دھور را روشن نماید تاج اینست نہ تاج ملکات آفاق آن تاج عاقبت از سر برافتد و شکسته گردد و جواهرش متفرق شود و نام و نشانی از آن نماند اما این تاج روز بروز بر سر استقرارش بیشتر گردد و گوهرش درخشندہ تر شود و تالوآش مانند بارقہ صبح منتشر در آفاق گردد و غلبہ بر اعصار و ادھار نماید زیرا بمرور دھور فراموش نگرده و از کرور اعصار فتور در لمعانش حاصل نگرده

در خصوص شہادت یاران الہی در ایران مرقوم نموده بودی کہ محزون شدی و مغموم گشتی حق با شماست البتہ باید بر مظلومیت این نفوس گریان شد و با قلبی سوزان ناله و فغان نمود زیرا تا بحال در جمیع قرون و اعصار چنین مظلومیتی واقع نگشته اعدا بہجوم عمومی مسلح بغتہ بر خانہ و کاشانہ ریختہ اموال بتاراج بردند و رجال را بضرب تیغ و خنجر پاره پاره نمودند و اجساد مطہرہ را آتش زدند و بعضی نساء را بقماش پیچیدہ و نفت ریختہ و زندہ زندہ بسوختند طفلانرا سرگشتہ کوه و بیابان نمودند و خانمانرا بکلی بسوختند چہ بسیار مادر کہ بی پسر گشت و بسا اطفال بی پدر و مادر ماند و چہ بسیار خواہر کہ بر جنازہ برادر خون گریست و بسا پدر کہ بر ماتم پسر گریان درید از جملہ یک زن پسر و شوہر و برادر را جسد پاره پاره یافت و چون گریہ و زاری نمود ضرب تازیانہ دید و نزدیک بہلاکت رسید چنین مظلومیتی در هیچ تاریخی شنیدہ نشد و این وقوعات مخالف رضایت حکومت واقع و حکومت در محافظت عاجز شد و هجوم بقسمی عمومی بود کہ نفس حکومت بخوف افتاد و در قلعه بمحافظہ خود پرداخت ملاحظہ نمائید کہ مظلومیت چہ قدر شدید بود و حال جمعی از اطفال و نساء سرگردان در کوه و بیابان نہ انیسی نہ رفیقی نہ شفیقی نہ دادرسی نہ معینی برہنہ و گرسنہ و بی سر و سامان و شہیدان در حین شہادت هیچ یک انکار جمال ابہی نمودند بلکہ فریاد یابہاء‌الابہی میزدند و یاطوبی و یابشری میگفتند و نفس اعدا بیان احباً را بنظم درآوردند کہ ہر یک دم تسلیم روح چہ میگفت و چہ ندائی میکرد و الآن در کوچہ و بازار اطفال اعدا عباراترا حفظ نموده بالحن و نغمات میخوانند و همچنین بازماندگان شہیدان در نہایت صبر و سکون و وقار بشکر حضرت پروردگار زبان گشایند کہ در سبیل جمال ابہی مورد این مصیبت کبری گشتند ثبات و استقامت را مشاہدہ نما حضرت پطرس حواری چون کار را مشکل یافت سہ مرتبہ حضرت مسیح را انکار کرد ملاحظہ نما کہ چہ قدر فرق در میان

باری آن دختر عزیز باید کہ در آن اقلیم بعید دوستان و اماء رحمانرا جمیعاً بحرکت و انجذاب آرد تا بدانند کہ قوہ روح القدس در ایران چہ نفوذی ظاہر نموده کہ دستہ دستہ پاکوبان رقص کنان در کمال مسرت و شادمانی بقربانگاہ الہی شتافتہ جانفشانی نمایند امه‌الله جاکسن را خادمہئی هست کہ بانواع وسایل او را خمودت خواهد حتی مکاتیبی از برای جاکسن بعضی ارسال نمودند کہ در طیش مکتوبی از من بودہ آن خادمہ در غیاب مسس جاکسن مکاتیب را گرفته و نرساندہ شما او را یا بکتابت و یا بمصاحبت بیدار نمائید چون بہ حیفا آمدہ و ملاقات نموده و قبر مقدس را زیارت کردہ حیف است کہ چنین خادمہ مانع فیض شود و همچنین سائر اماء رحمانرا بتشویق و تحریص پرداز تا روز بروز پرشورتر شوند و روشن تر گردند و ثابت تر شوند و بر خدمت امر اللہ بیشتر قیام نمایند باید کہ در آنصفاہات آن دختر عزیز جندی سیار باشد از شہر بشہری ہر وقت فرصت یابد سفر کند و یارانرا با ہم الفت دہد تا سراج محبت اللہ در قلوب روشن گردد و انوار معرفت اللہ بر عقول و افکار

جلوه نماید مادر عزیز را تحیت و احترام من برسان و بگو چه خوش بخت بودی که چنین دختری یافتی و چنین ثمری بیار آوردی
و اگر بدانی خدا چه موهبتی در حقّ تو نموده البتّه هر دم صد هزار شکر بجا آری و علیک التّحیّة و الثّناء ع

فی ۱۲ سبتمبر سنه ۱۹۰۳

این سند از [کتابخانه دیجیتال](http://www.bahai.org/fa/legal) بایبلی داندلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۷ آوریل ۲۰۲۳، ساعت ۵:۰۰ بعد از ظهر